

بندیکت باروخ اسپینوزا

اتیک

(علم اخلاق)

www.ketab.ir

ترجمه :

منوچهر داوری

انتشارات شفیع

۱۴۰۰

اسپینوزا، بندیکت باروخ ۱۶۳۲-۱۶۷۷	سرشناسه
اتیک (علم اخلاق) بندیکت باروخ اسپینوزا	عنوان و نام پدیدآور:
تهران - شفیعی ۱۳۹۵	مشخصات نشر
۲۷۲	مشخصات ظاهری
978-964-7843-34-8	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
کتاب حاضر ترجمه عنوان ETHICA می‌باشد	یادداشت
اخلاق	موضوع
منوچهر دلاوری ۱۳۳۱	شناسنامه افزوده
۱۳۹۵ ف-۸/۱۶۸P	رده بندی کنگره
۹۵۲۵۳۲	شماره کتبخانی ملی

اتیک (علم اخلاق)

نویسنده: بندیکت باروخ اسپینوزا

مترجم: منوچهر دلاوری

نوبت چاپ: چهارم ۱۴۰۰

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

انتشارات شفیعی

ISBN: 978-964-7843-34-8

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۳۴-۸

حق چاپ محفوظ است

تهران: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت پلاک ۶۵ طبقه همکف

تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

بندیکت باروخ اسپینوزا

اتیک (علم الاخلاق)

به طریق برهان هندسی و مشتمل بر پنج قسمت در آنها بحث می‌شود

- ۱- درباره خدا ۱
- ۲- درباره طبیعت و پیدایش روح ۴۱
- ۳- درباره پیدایش و طبیعت تأثرات ۹۳
- ۴- درباره بندگی انسان با درباره قدرت تأثرات ۱۶۱
- ۵- درباره قدرت عقل یا درباره آزادی انسان ۲۳۱

www.ketab.ir

مقدمه

کتاب حاضر نامی‌ترین کتابی است که در فلسفه نوشته شده است و نویسنده آن اسپینوزا کسی است که، یکی از بزرگ‌ترین حکمت‌های دنیا را بوجود آورده است. منظور من در اینجا شرح حال کامل فیلسوف نیست، بلکه پس از نظر کوتاهی که به زندگی او خواهیم افکند به تشریح کتاب و فلسفه او می‌پردازم.

بندیکت باروخ اسپینوزا در ۲۸ نوامبر سال ۱۶۳۲ میلادی در شهر آمستردام در یک خانواده یهودی که از مهاجرین پرتغالی بودند به دنیا آمد. در کودکی در مدرسه اختصاصی یهودیان به تحصیل پرداخت و پس از آن، نزد یکی از دانشمندان هلند به تحصیل ریاضیات و طبیعیات مشغول شد، و در همین هنگام بود که با فلسفه دکارت آشنا گردید، و از آنجائی که دانستن یکی از کارهای دینی را برای هر دانشمندی لازم می‌دانست از این رو خود به تراش بلور پرداخت و در ساختن عدسی‌های دوربین و عینک تخصص حاصل کرد و این شغل وسیله معاش او گردید.

در این هنگام بود که اسپینوزا متوجه شد تا چه اندازه دین یهود و نوشته‌های مذهبی این قوم عاری از حقیقت بوده و گمراه‌کننده می‌باشند. از این جهت با یک سرسختی عجیبی که حتی نزدیک بود به قیمت جان او تمام شود به مخالفت این قوم برخاست و بر اثر این موضوع در سن بیست و چهارسالگی از طرف زعمای قوم یهود از این مذهب طرد گردید و مجبور به ترک شهر خود شد. علمای دین مسیح تصور کردند که حامی و مُبَلِّغ خوبی برای آنها پیدا شده است، ولی موقعی به اشتباه خود پی بردند که اسپینوزا بی‌رحمانه به خرافات دین مسیح حمله کرد و در نتیجه اهل کلیسا از او روگردان شدند. در این زمان اسپینوزا جداً مشغول مطالعات فلسفی و تعمق در موضوعات مختلف این شهر بود و دوستان بیشماری از اهل دانش برای خود فراهم کرد و شهرت او از مرزهای مملکت هلند نیز گذشت به طوری که یکی از شاهزادگان آلمان، پیشنهاد تدریس در حوزه علمیه شهر خود را نموده بود ولی اسپینوزا، به سبب اینکه برای این کار مجبور بود از نظریات خود عدول کند آن را رد کرد.

زندگی فیلسوف در کمال قناعت و دوراندیشی بود و می‌توان گفت که او تنها کسی است که، حکمت را فقط به خاطر خود حکمت می‌خواست نه برای شهرت و جاه‌طلبی، چنانکه شیوه اغلب فلاسفه این بوده است.